



مصطفی آرموز

از میدان نقش جهان و از کنار بازار نصفه وارد بازار قیصریه شدم. تصمیم گرفتم به معنای واقعی یک پرسه زن باشم. بازار را طی کردم و تصمیم گرفتم از آنجا تا مسجد جامع را در زیر سقف بازار اصفهان، قدم بزنم. هر جای آن برای خودش دنیایی داشت. مغازه‌های بسیار زیبا با اشیای خاطره انگیز، آدم را برای ایستادن تا رفتن تشویق می‌کند ولی با این همه رفتم. برخی از مغازه‌ها، اعلامیه ترحیم استاد اکبر مهدی نی، از اساتید برجسته فرش دستباف اصفهان را بر شیشه خود نصب کرده بودند. در این میان سری به چند بنا هم زدم. از میان این بناها می‌توان به مسجد فوق‌العاده زیبایی خیاطا اشاره کرد.مسجد خیاط‌ها که به اسامی یادرخت، پا درخت سوخته و پا درخت سوخته زنجانی نیز معروف است در کتاب بخشی از آثار ملی اصفهان، جزو مساجد عهد قاجاریه معرفی شده است. تنها تاریخ موجود در بنا سال ۹۷۵ه‍.ق. تا نشان می‌دهد و به در قدیمی آن مربوط می‌گردد. کتیبه سردر مسجد به نام ابوالفتح سلطان میرزا پسر شاه طهماسب اول صفوی است که بانی مسجد بوده است و برخی نیز آن را جزو آثار صفوی هم شمرده‌اند. مسجد خیاط‌ها در اصفهان، خیابان جمال‌الدین عبدالرزاق، بازار خیاط‌ها واقع شده و این اثر در تاریخ ۲۰ مرداد ۱۳۷۷ به‌شماره ثبت ۲۱۵۴ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده‌است. از این ده‌ها که بگذریم، فضای بسیار زیبای

روزنامه فرهنگی، اجتماعی با روش خبری – تحلیلی –اطلاع رسانی

بنیانگذار: عبدالمحمد اکبری | تأسیس: ۱۳۸۳

صاحب امتیاز: شرکت رسانه رویداد پارسی

مدیر مسئول و سردبیر: امیر اکبری

پنجشنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۳ | سال هیبت و یکم / دوره جدید / شماره ۵۱۰ | 30Jan2025

اصفهان گرد - ۲۴۱

انسان، معماری، پرواز



آن برای حداقل یک بار دیدن، فرصتی است که نباید از دست داد. اگر چه به غروب نزدیک بودیم ولی وجود همین نور کم و تک‌های ابر در آسمان، منظره قابل رویت از داخل مسجد را شاعرانه و عاشقانه کرده بود. آدم دلش می‌خواهد در این بناها، پرواز کند نه تا آسمانی که می‌بیند بلکه تا آسمانی که هنرمندان این مجموعه، زیر آن، این مسجد را بنا کردند. دوست دارد پرواز کند و از زمان خارج شود و بیرون از زمان، داستان این مسجد و این همه تماشایی بودن آن را با چشم ببیند بلکه با تمام وجود

یک اصفهانی برنده جایزه «قهرمان جوان تالاب‌های جهان» شد



۲۰۲۲ شده بود. آموزش برنده‌نگری و حفاظت پرندگان در ۱۱ استان کشور، تأسیس انجمن حفاظت پرندگان

احیای خانه‌های مشاهیر؛ ظرفیتی برای حفظ شناسنامه هویت فرهنگی (بارج داشت برپایی کنگره ملی معماری ایران – کاشان)



رسیدن آن، انگیزه و اراده‌ای می‌طلبد تا این حرکت مطلوب محقق شد

در قیاس با تعداد نام آوران این خطنه فرهنگی و ادب‌پرور و عالم خیز، سهم فضاهای فرهنگی متعلق به نام و نشان مفخر و مشاهیر اندک‌تر از آن است که در شمار آید؛ لکن مغفول ماندن این اقدام شایسته، نقیصه‌ای بزرگتر از آن است که قابل وصف باشد.

بدون تردید همانگونه که با تدبیر و دوراندیشی پیشگامانی مثل مهندس حسین محلوچی (رئیس بنیاد فرهنگ کاشان)، مهندس سیف الله امینیان(معاون اسبق سازمان سابق میراث فرهنگی کشور) و استاد سید اکبر حلی(معمار برجسته کاشانی شهریار، بسیاری از خانه‌های تاریخی احیا و ازخطر نابودی نجات پیدا کرد و می‌توان گفت امروز توسعه ظرفیت گردشگری کاشان، مرهون چنان نگاه بلندی درایجاد نهضت احیای خانه‌های تاریخی بوده است؛ شایسته آن است با شناسایی و پاک‌گذاری خانه‌های مفخرومشاهیر و تبدیل آن به موزه و گنجینه‌های ادبی، هنری و علمی، نهضت دیگری در پاسداشت میراث معنوی و فکری منطقه شکل‌گیرد.

هرچند باید از اهتمام میراث فرهنگی کاشان نسبت به احیا و تبدیل خانه باکوچیان(سپیده کاشانی) به موزه نساجی کاشان

در عین حال باید از غفلت جبران ناپذیر تخریب و نابودی خانه‌هایی مثل «خانه نظام وفا»در مرحله درند آران و بیدگل، «خانه استاد مصطفی فیضی» در خیابان علوی کاشان و تغییر کاربری آن از مسکونی به اداری و ده‌ها نمونه دیگر افسوس خورد. موضوعی که شاید فراوانی آن در دیگر نقاط کشور نیز وجود داشته باشد. اما ابتکار عمل مسئولان درتشکیل «ستاد احیای خانه‌های مشاهیر»راهکاری برای بیرون رفت از دایره غفلت و این تأخیر تاریخی است.

نافته پیداست به موازات این احیای کالبدی و فیزیکی، صدها عدد شیء و گنجینه دیگر می‌تواند به عنوان کالاهای فرهنگی ارزش‌گذاری شده در این مجموعه‌ها تعبیه و پیش‌بینی گردد تا روح فرهنگی در این بناها بیش از پیش‌همیده شود.

نشانی: اصفهان،میدان آزادی،خیابان دانشگاه

نرسیده به حکیم نظامی، کوچه شهید روحانی ،شماره ۵

تلفن : ۰۲۱-۳۶۲۹۳۷۵۰(ده خط)
فاکس : ۳۶۲۹۳۲۹۲ -۰۲۱

لیتوگرافی و چاپ: شاخه سبز توزیع: رویداد پارسی

امتیاز در ثبت‌بینی روزنامه‌های سراسر کشور

شریب کفی: ۸۲/۷ رتبه‌آگهی: ۱

این نامه اخلاق حربه ای در لیک -درباره ما- با سایت اصفهان امروز منتشر شده است.
www.esfahanerouz.ir

ضرورت ایجاد وفاق بر روی نشان اصفهان



گفت: رمزگذاری نشانه‌ها به شخصیت‌شناسی شهر کمک می‌کند. زیرا تعلق در تصویر قابل نمایش است و در نشان شهری با کمک این تعلق به شخصیت شهری بی‌می‌ریزم. او چراکه در آن زمان هم دانشکده هنرهای زیبا سا‌ها بوده که تأسیس شده بود هم سازمان سمعی و بصری و اداره طراحی گرافیک داشته ایم و هم طراحان برجسته‌ای که تحصیلات و تجربه در طراحی نشان داشته‌اند.حناقل تصویرسازی و گرافیک مجلات و آگهی‌های مطبوعاتی چاپ شده در مجلات به ما این را نشان می‌دهد که ادعای این پروفیسور آرم شناسی می‌تواند جلی و دروغین باشد.جالب اینجاست که اسنادنشان می‌دهد که رومانوفسکی در سال ۱۳۳۵ طرف دولت اتحاد جماهیر شوروی به وزارت خارجه ایران برای گسترش فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی و هنری معرفی می‌شود اما پس از مدتی مشخص می‌شود که جاسوس است و در قاچاق اسلحه فعالیت می‌کند رومانفسکی با توجه به شناسخی که از سلاح و پرچم و لباس نظامی داشته است پس از آزادی از زندان در موزه جنگی مشغول به فعالیت می‌شود. برای همین عجیب نیست که بخش مهمی از نشان‌هایی که برای شهرهای ایران طراحی کرده است، از عناصر جنگی و نظامی چون سپر، نیزه، قلعه و شمایل سربازان و نمادهایی از این دست بهره گیرد. البته با توجه به کاربرد گسترده بیرق در جنگ‌ها و اهمیت نمادهای متمایز پرچم برای کشورهای چندان هم بی‌ارتباط نیست. کامران تصریح کرد:اصفهانی‌ها آرم طراحی شده توسط رومانوفسکی را نپذیرفتند و هزینه آن را پرداخت نکردند. چراکه اصفهان با ساقه‌ای که در فرهنگ و هنر دارد و به دلیل برابری از فرهنگ دیداری غنی طرح پیشنهادی را نپذیرفت و شهردار وقت اصفهان تصمیم به تشکیل یک گروه مشورتی گرفت تا در این کمته تخصصی نشان شهرداری بررسی شود. شاید باید این ابتکار شهرداری اصفهان را که عدع‌ای از استان و هنرمندان اصفهانی چون صنیع زاده، بهداری، هنرفر، بهشتیان و میناسیان را برای تصمیم‌گیری در این خصوص جمع کرده، اقدامی جالب توجه باشد. چراکه بعدتر به دلیل اعتراضاتی که در سایر شهرها و شهرداری‌های به وزارت کشور اعلام می‌شد. در نهایت تصمیم گرفته می‌شود تا کمیسونی در اتحادیه شهرداری برای تصمیم‌گیری و مشورت در این خصوص شکل گیرد و افرادی چون هوشنگ سیحون، محسن مقدم، علی آذرکین و… عضو آن بودند. ماحصل کار این کمیسیون تصویب ۱۳ نشان برای مراکز استان‌ها بوده که متاسفانه در سال ۵۱ تعطیل شد و این کار ادامه دیداری در اسناد شهرداری اصفهان متوجه می‌شویم. که شهرداری اصفهان در دهه ۴۰ رویه ای بسیار تخصصی را برای تصمیم‌گیری اتخاذ کرده بود. شکل‌گیری آن گروه مشورتی در شهرداری منجر به ارائه پیشنهاداتی در طراحی نشان شهر اصفهان شده بود. مثلاً در همان جلسات مرحوم بهشتیان پیشنهاد می‌دهند از طرح قوس آذر که در کاشیکاری سر در قیصریه موجود است می‌توان استفاده کرد و یا از استاره اصفهان نصف‌جهان و ترکیب این دو ایده به آقای صنیع زاده واگذار می‌شود اما چیزی از پیش طرح‌های پیشنهادی و انجام تقریرات، به چگونگی بوده است و عرف حقالزحمه در دورهمی متفاوت برای چنین کاری چه مبلغی بود؟

آسی؟ بخش مهمی از این پرسش‌ها را می‌توان با همین اسناد و پرونده هایِ پابخ تا دکه در گنجینه اسناد موزه شهرداری اصفهان فراهم آمده است. در ابتدا (سال‌های ۳۵ تا ۳۸) شیوه انجام کار این‌گونه بوده است که ابتدا هر شهرداری موظف بود ویژگی‌های تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و معماری شهر را به اتحادیه شهرداری‌ها در قالب متنی ارسال کند. براساس این متن طراح (رومانوفسکی) یک طرح تهیه میکرد و در دو نسخه اصل و کپی به اتحادیه تحویل می‌داد. کبی طرح به شهرداری طی نامی رسمی ارسال می‌شد و شهرداری‌ها موظف بودند تا پیشنهادات خود یا انجمن شهر را به طراح منتقل کنند و یا طرح را بپذیرند. و وجه حقالزحمه را نیز بپردازند که مبلغ ۱۵۰۰ ریال بوده است. طبق اسناد شهرداری اصفهان چندخاصه در گروه‌ها و انجمن‌های مرتبط با نشان و پرچم طرح می‌شده که یکی از آنها بحث انطباق‌پذیری طرح در ابعاد متفاوت است و یا اینکه نشان معرف ویژگی گذشته و حال شهر اصفهان هست یا نه؟

کامران با اشاره به سوابق رومانوفسکی بیان کرد، ولادیمیر رومانوفسکی یکی از مرموز یا مهم‌ترین شخصیت‌های تاریخ معاصر ایران است، او زاده سرمقند بوده و ملیت افغانستانی داشته است. مدتی در سیستان و قانتان سر کنسول شده و مقالاتی در خصوص اسلحه و لباس نظامی از او در مجلات بررسی‌های تاریخی چاپ شده است. در اسناد شهرداری اصفهان از او با نوان

رها کیوان: هفتمین نشست از سلسله نشست‌های حافظه و شهر با موضوع «ژ: استاره تا نشانه؛ تحلیل نشان شهرداری اصفهان در گذر زمان» برگزار شد.

افسانه کامران پژوهشگر مطالعات فرهنگ دیداری در هفتمین نشست از سلسله نشست‌های حافظه و شهر که با موضوع «ژ: استاره تا نشانه؛ تحلیل نشان شهرداری اصفهان در گذر زمان» برگزار شد، اظهار کرد: در بازدیدی که تابستان اسماال از موزه تاریخ شهرداری اصفهان داشتم دریافتیم که این موزه به راه اندازه گنجینه اسناد و اشتراک‌گذاری این اسناد در وب این امکان را برای پژوهشگران و علاقمندان تاریخ معاصر فراهم کرده‌است تا با جستجو در این اسناد به زوایای مغفول مانده تاریخ و فرهنگ شهر اصفهان در تاریخ معاصر ایران و نقش بلدیة در آن دست یابند. برای همین ما با توجه به علایق مطالعاتیام کار روی اسناد نشان شهرداری اصفهان را آغاز کردم. محور بحث امروزم ابتدا درباره تغییرات و چگونگی تکوین نشان شهرداری این شهر از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۹ بر اساس اسناد است و در ادامه به تحلیل استعاری نشانی که مرحوم مرتضی ممیز طراحی کرده است (نشان فغلی شهرداری) خواهم پرداخت. طبق اسنادی که در مرکز اسناد ایران موجود بوده و در کتاب نشان شهرداری‌های ایران به چاپ رسیده است، ایده اینکه هر شهری نشان مخصوص خود را داشته باشد از سال‌های ۱۳۲۰ آغاز شد اما درسال‌های ۱۳۳۰ به پیشنهاد رئیس وقت سازمان تربیت‌بدنی که به وزارت کشور داده شد، این حرکت آغاز گشت. دلیل آن هم این بود که بر این اعتقاد بودند هر تیم ورزشی در هر شهر باید پرچم و نشان مخصوص به آن شهر را داشته باشد. این پیشنهاد هشت سال بعد یعنی ۱۳۳۸ اجرایی شد و تهیه آرم یا نشان شهرها به اتحادیه شهرداری‌ها واگذار شد. در ابتدا برای اینکه شهرداری‌های شهرهای ایران به لزوم داشتن آرم و پرچم ترغیب شوند مقالاتی در مجلات مختلف چاپ شد و مطالباتی درباره اینکه در اکثر شهرهای غربی و حتی همسایگانی چون پاکستان و ترکیه نیز هر شهر نشان و پرچم مخصوص به خود را دارد انجام شد. از این جهت به نظر می‌رسد که در ابتدا میان نشان شهری و نشان شهرداری یک شهر تمایزی قائل نبودند و در واقع آن را یکی می‌دانستند و یا حداقل متولی نشان شهری و تصویر یک شهر را بلدیة آن شهر می‌دانستند. فرایند نشان‌دار کردن شهرهای ایران فرایند عجیب و غریب و طولانی مدتی بوده است و به نظر ام از عجیب‌ترین این مسیرها هم می‌توان به تصویب وفاق نهایی بر نشان شهرداری اصفهان اشاره کرد. چراکه اصفهان احتمالاً به دلیل سابقه تاریخی و جایگاه آن در گردشگری و… جزو اولین شهرهایی بوده که نشان پیشنهادی سازمان شهرداری‌ها را دریافت کرده است. این پژوهشگر فرهنگ دیداری در ادامه صحبت‌هایش اشاره کرد که در واکنش به طراحی نشان برای شهرهای ایران همه شهرداری‌ها واکنش یکسانی نشانندنت. دسته‌ای از شهرها نشان طراحی شده از طرف اتحادیه شهرداری‌ها را پذیرفتند و حق الزحمه طراح را پرداختند. عموماً در شهرهایی که انجمن شهر نشانندنت فرایند تصویب نشان شهر هم راحت‌تر بوده است. دسته‌ای دیگر کبی طرح را دریافت کردند و وجه را هم پرداختند اما هیچ وقت از آن نشان استفاده نکردند و دسته سوم شهرهایی بودند که طرح را دریافت کردند اما وجه را پرداخت نکردند. چراکه نشان طراحی شده را متناسب با ویژگی‌های شهر و معرف نشان شهر خودشان نمی‌دانستند. اصفهان جزء این دسته شهرها بوده است. کنش‌های مقاومت و استدلال، چله زنی با مسئولان بالادستی کشوری و همچنین سایر نهاده‌ا و انجمن‌ها در اصفهان در قناعت و یا رد نشان طراحی شده در شهرداری اصفهان در چهار دهه (۴۰ تا ۷۰) بسیار جالب توجه است. این پژوهشگر فرهنگ دیداری با بیان اینکه قبل از طراحی اختصاصی نشان برای شهرها، اکثر شهرداری‌ها از نشان رسمی ایران در آن زمان و بعدتر از نشان اتحادیه شهرداری‌های کشور استفاده می‌کردند و نشان جداگانه‌ای نشانندنت. افزود: در آن زمان، ولادیمیر رومانوفسکی سفارشی از اتحادیه شهرداری‌های ایران دریافت و نشان این اتحادیه را برگرفته از نمادهای مانند تصویر دروزه دولت تهران، شیر و کلید طراحی می‌کند. او با اشاره به اولین نشان اختصاصی که برای شهرداری اصفهان طراحی شد، گفت: برای من بسیار مهم است که سار و کار سفارش نشان در ۶۰ یا ۷۰ سال پیش در ایران را طبق اسنادی که همین گنجینه موزه فراهم کرده است بهتر و دقیق‌تر بدانیم؛ مثلاً اینکه طراح براساس چه منطقی و یا چه شخصاتی طراحی نشان یک شهر را طراحی می‌کرده؟ شیوه دریافت طرح، اصلاح و طرح پیشنهادی و انجام تقریرات، به چگونگی بوده است و عرف حقالزحمه در دورهمی متفاوت برای چنین کاری چه مبلغی بود؟

پرفیسور آرم شناسی یاد شده است که با توجه به شرایط فرهنگی و هنری ایران در دهه ۴۰ شورشی‌دی عجیب و خنده دار است؛ چراکه در آن زمان هم دانشکده هنرهای زیبا سا‌ها بوده که تأسیس شده بود هم سازمان سمعی و بصری و اداره طراحی گرافیک داشته ایم و هم طراحان برجسته‌ای که تحصیلات و تجربه در طراحی نشان داشته‌اند.حناقل تصویرسازی و گرافیک مجلات و آگهی‌های مطبوعاتی چاپ شده در مجلات به ما این را نشان می‌دهد که ادعای این پروفیسور آرم شناسی می‌تواند جلی و دروغین باشد.جالب اینجاست که اسنادنشان می‌دهد که رومانوفسکی در سال ۱۳۳۵ طرف دولت اتحاد جماهیر شوروی به وزارت خارجه ایران برای گسترش فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی و هنری معرفی می‌شود اما پس از مدتی مشخص می‌شود که جاسوس است و در قاچاق اسلحه فعالیت می‌کند رومانفسکی با توجه به شناسخی که از سلاح و پرچم و لباس نظامی داشته است پس از آزادی از زندان در موزه جنگی مشغول به فعالیت می‌شود. برای همین عجیب نیست که بخش مهمی از نشان‌هایی که برای شهرهای ایران طراحی کرده است، از عناصر جنگی و نظامی چون سپر، نیزه، قلعه و شمایل سربازان و نمادهایی از این دست بهره گیرد. البته با توجه به کاربرد گسترده بیرق در جنگ‌ها و اهمیت نمادهای متمایز پرچم برای کشورهای چندان هم بی‌ارتباط نیست. کامران تصریح کرد:اصفهانی‌ها آرم طراحی شده توسط رومانوفسکی را نپذیرفتند و هزینه آن را پرداخت نکردند. چراکه اصفهان با سابقه‌ای که در فرهنگ و هنر دارد و به دلیل برابری از فرهنگ دیداری غنی طرح پیشنهادی را نپذیرفت و شهردار وقت اصفهان تصمیم به تشکیل یک گروه مشورتی گرفت تا در این کمته تخصصی نشان شهرداری بررسی شود. شاید باید این ابتکار شهرداری اصفهان را که عدع‌ای از استان و هنرمندان اصفهانی چون صنیع زاده، بهداری، هنرفر، بهشتیان و میناسیان را برای تصمیم‌گیری در این خصوص جمع کرده، اقدامی جالب توجه باشد. چراکه بعدتر به دلیل اعتراضاتی که در سایر شهرها و شهرداری‌های به وزارت کشور اعلام می‌شد. در نهایت تصمیم گرفته می‌شود تا کمیسونی در اتحادیه شهرداری برای تصمیم‌گیری و مشورت در این خصوص شکل گیرد و افرادی چون هوشنگ سیحون، محسن مقدم، علی آذرکین و… عضو آن بودند. ماحصل کار این کمیسیون تصویب ۱۳ نشان برای مراکز استان‌ها بوده که متاسفانه در سال ۵۱ تعطیل شد و این کار ادامه دیداری در اسناد شهرداری اصفهان متوجه می‌شویم. که شهرداری اصفهان در دهه ۴۰ رویه ای بسیار تخصصی را برای تصمیم‌گیری اتخاذ کرده بود. شکل‌گیری آن گروه مشورتی در شهرداری منجر به ارائه پیشنهاداتی در طراحی نشان شهر اصفهان شده بود. مثلاً در همان جلسات مرحوم بهشتیان پیشنهاد می‌دهند از طرح قوس آذر که در کاشیکاری سر در قیصریه موجود است می‌توان استفاده کرد و یا از استاره اصفهان نصف‌جهان و ترکیب این دو ایده به آقای صنیع زاده واگذار می‌شود اما چیزی از پیش طرح‌های پیشنهادی و انجام تقریرات، به چگونگی بوده است و عرف حقالزحمه در دورهمی متفاوت برای چنین کاری چه مبلغی بود؟

آسی؟ بخش مهمی از این پرسش‌ها را می‌توان با همین اسناد و پرونده هایِ پابخ تا دکه در گنجینه اسناد موزه شهرداری اصفهان فراهم آمده است. در ابتدا (سال‌های ۳۵ تا ۳۸) شیوه انجام کار این‌گونه بوده است که ابتدا هر شهرداری موظف بود ویژگی‌های تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و معماری شهر را به اتحادیه شهرداری‌ها در قالب متنی ارسال کند. براساس این متن طراح (رومانوفسکی) یک طرح تهیه میکرد و در دو نسخه اصل و کپی به اتحادیه تحویل می‌داد. کبی طرح به شهرداری طی نامی رسمی ارسال می‌شد و شهرداری‌ها موظف بودند تا پیشنهادات خود یا انجمن شهر را به طراح منتقل کنند و یا طرح را بپذیرند. و وجه حقالزحمه را نیز بپردازند که مبلغ ۱۵۰۰ ریال بوده است. طبق اسناد شهرداری اصفهان چندخاصه در گروه‌ها و انجمن‌های مرتبط با نشان و پرچم طرح می‌شده که یکی از آنها بحث انطباق‌پذیری طرح در ابعاد متفاوت است و یا اینکه نشان معرف ویژگی گذشته و حال شهر اصفهان هست یا نه؟

کامران با اشاره به سوابق رومانوفسکی بیان کرد، ولادیمیر رومانوفسکی یکی از مرموز یا مهم‌ترین شخصیت‌های تاریخ معاصر ایران است، او زاده سرمقند بوده و ملیت افغانستانی داشته است. مدتی در سیستان و قانتان سر کنسول شده و مقالاتی در خصوص اسلحه و لباس نظامی از او در مجلات بررسی‌های تاریخی چاپ شده است. در اسناد شهرداری اصفهان از او با نوان

گفت: رمزگذاری نشانه‌ها به شخصیت‌شناسی شهر کمک می‌کند. زیرا تعلق در تصویر قابل نمایش است و در نشان شهری با کمک این تعلق به شخصیت شهری بی‌می‌ریزم. او چراکه در آن زمان هم دانشکده هنرهای زیبا سا‌ها بوده که تأسیس شده بود هم سازمان سمعی و بصری و اداره طراحی گرافیک داشته ایم و هم طراحان برجسته‌ای که تحصیلات و تجربه در طراحی نشان داشته‌اند.حناقل تصویرسازی و گرافیک مجلات و آگهی‌های مطبوعاتی چاپ شده در مجلات به ما این را نشان می‌دهد که ادعای این پروفیسور آرم شناسی می‌تواند جلی و دروغین باشد.جالب اینجاست که اسنادنشان می‌دهد که رومانوفسکی در سال ۱۳۳۵ طرف دولت اتحاد جماهیر شوروی به وزارت خارجه ایران برای گسترش فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی و هنری معرفی می‌شود اما پس از مدتی مشخص می‌شود که جاسوس است و در قاچاق اسلحه فعالیت می‌کند رومانفسکی با توجه به شناسخی که از سلاح و پرچم و لباس نظامی داشته است پس از آزادی از زندان در موزه جنگی مشغول به فعالیت می‌شود. برای همین عجیب نیست که بخش مهمی از نشان‌هایی که برای شهرهای ایران طراحی کرده است، از عناصر جنگی و نظامی چون سپر، نیزه، قلعه و شمایل سربازان و نمادهایی از این دست بهره گیرد. البته با توجه به کاربرد گسترده بیرق در جنگ‌ها و اهمیت نمادهای متمایز پرچم برای کشورهای چندان هم بی‌ارتباط نیست. کامران تصریح کرد:اصفهانی‌ها آرم طراحی شده توسط رومانوفسکی را نپذیرفتند و هزینه آن را پرداخت نکردند. چراکه اصفهان با سابقه‌ای که در فرهنگ و هنر دارد و به دلیل برابری از فرهنگ دیداری غنی طرح پیشنهادی را نپذیرفت و شهردار وقت اصفهان تصمیم به تشکیل یک گروه مشورتی گرفت تا در این کمته تخصصی نشان شهرداری بررسی شود. شاید باید این ابتکار شهرداری اصفهان را که عدع‌ای از استان و هنرمندان اصفهانی چون صنیع زاده، بهداری، هنرفر، بهشتیان و میناسیان را برای تصمیم‌گیری در این خصوص جمع کرده، اقدامی جالب توجه باشد. چراکه بعدتر به دلیل اعتراضاتی که در سایر شهرها و شهرداری‌های به وزارت کشور اعلام می‌شد. در نهایت تصمیم گرفته می‌شود تا کمیسونی در اتحادیه شهرداری برای تصمیم‌گیری و مشورت در این خصوص شکل گیرد و افرادی چون هوشنگ سیحون، محسن مقدم، علی آذرکین و… عضو آن بودند. ماحصل کار این کمیسیون تصویب ۱۳ نشان برای مراکز استان‌ها بوده که متاسفانه در سال ۵۱ تعطیل شد و این کار ادامه دیداری در اسناد شهرداری اصفهان متوجه می‌شویم. که شهرداری اصفهان در دهه ۴۰ رویه ای بسیار تخصصی را برای تصمیم‌گیری اتخاذ کرده بود. شکل‌گیری آن گروه مشورتی در شهرداری منجر به ارائه پیشنهاداتی در طراحی نشان شهر اصفهان شده بود. مثلاً در همان جلسات مرحوم بهشتیان پیشنهاد می‌دهند از طرح قوس آذر که در کاشیکاری سر در قیصریه موجود است می‌توان استفاده کرد و یا از استاره اصفهان نصف‌جهان و ترکیب این دو ایده به آقای صنیع زاده واگذار می‌شود اما چیزی از پیش طرح‌های پیشنهادی و انجام تقریرات، به چگونگی بوده است و عرف حقالزحمه در دورهمی متفاوت برای چنین کاری چه مبلغی بود؟

آسی؟ بخش مهمی از این پرسش‌ها را می‌توان با همین اسناد و پرونده هایِ پابخ تا دکه در گنجینه اسناد موزه شهرداری اصفهان فراهم آمده است. در ابتدا (سال‌های ۳۵ تا ۳۸) شیوه انجام کار این‌گونه بوده است که ابتدا هر شهرداری موظف بود ویژگی‌های تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و معماری شهر را به اتحادیه شهرداری‌ها در قالب متنی ارسال کند. براساس این متن طراح (رومانوفسکی) یک طرح تهیه میکرد و در دو نسخه اصل و کپی به اتحادیه تحویل می‌داد. کبی طرح به شهرداری طی نامی رسمی ارسال می‌شد و شهرداری‌ها موظف بودند تا پیشنهادات خود یا انجمن شهر را به طراح منتقل کنند و یا طرح را بپذیرند. و وجه حقالزحمه را نیز بپردازند که مبلغ ۱۵۰۰ ریال بوده است. طبق اسناد شهرداری اصفهان چندخاصه در گروه‌ها و انجمن‌های مرتبط با نشان و پرچم طرح می‌شده که یکی از آنها بحث انطباق‌پذیری طرح در ابعاد متفاوت است و یا اینکه نشان معرف ویژگی گذشته و حال شهر اصفهان هست یا نه؟

کامران با اشاره به سوابق رومانوفسکی بیان کرد، ولادیمیر رومانوفسکی یکی از مرموز یا مهم‌ترین شخصیت‌های تاریخ معاصر ایران است، او زاده سرمقند بوده و ملیت افغانستانی داشته است. مدتی در سیستان و قانتان سر کنسول شده و مقالاتی در خصوص اسلحه و لباس نظامی از او در مجلات بررسی‌های تاریخی چاپ شده است. در اسناد شهرداری اصفهان از او با نوان

گفت: رمزگذاری نشانه‌ها به شخصیت‌شناسی شهر کمک می‌کند. زیرا تعلق در تصویر قابل نمایش است و در نشان شهری با کمک این تعلق به شخصیت شهری بی‌می‌ریزم. او چراکه در آن زمان هم دانشکده هنرهای زیبا سا‌ها بوده که تأسیس شده بود هم سازمان سمعی و بصری و اداره طراحی گرافیک داشته ایم و هم طراحان برجسته‌ای که تحصیلات و تجربه در طراحی نشان داشته‌اند.حناقل تصویرسازی و گرافیک مجلات و آگهی‌های مطبوعاتی چاپ شده در مجلات به ما این را نشان می‌دهد که ادعای این پروفیسور آرم شناسی می‌تواند جلی و دروغین باشد.جالب اینجاست که اسنادنشان می‌دهد که رومانوفسکی در سال ۱۳۳۵ طرف دولت اتحاد جماهیر شوروی به وزارت خارجه ایران برای گسترش فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی و هنری معرفی می‌شود اما پس از مدتی مشخص می‌شود که جاسوس است و در قاچاق اسلحه فعالیت می‌کند رومانفسکی با توجه به شناسخی که از سلاح و پرچم و لباس نظامی داشته است پس از آزادی از زندان در موزه جنگی مشغول به فعالیت می‌شود. برای همین عجیب نیست که بخش مهمی از نشان‌هایی که برای شهرهای ایران طراحی کرده است، از عناصر جنگی و نظامی چون سپر، نیزه، قلعه و شمایل سربازان و نمادهایی از این دست بهره گیرد. البته با توجه به کاربرد گسترده بیرق در جنگ‌ها و اهمیت نمادهای متمایز پرچم برای کشورهای چندان هم بی‌ارتباط نیست. کامران تصریح کرد:اصفهانی‌ها آرم طراحی شده توسط رومانوفسکی را نپذیرفتند و هزینه آن را پرداخت نکردند. چراکه اصفهان با سابقه‌ای که در فرهنگ و هنر دارد و به دلیل برابری از فرهنگ دیداری غنی طرح پیشنهادی را نپذیرفت و شهردار وقت اصفهان تصمیم به تشکیل یک گروه مشورتی گرفت تا در این کمته تخصصی نشان شهرداری بررسی شود. شاید باید این ابتکار شهرداری اصفهان را که عدع‌ای از استان و هنرمندان اصفهانی چون صنیع زاده، بهداری، هنرفر، بهشتیان و میناسیان را برای تصمیم‌گیری در این خصوص جمع کرده، اقدامی جالب توجه باشد. چراکه بعدتر به دلیل اعتراضاتی که در سایر شهرها و شهرداری‌های به وزارت کشور اعلام می‌شد. در نهایت تصمیم گرفته می‌شود تا کمیسونی در اتحادیه شهرداری برای تصمیم‌گیری و مشورت در این خصوص شکل گیرد و افرادی چون هوشنگ سیحون، محسن مقدم، علی آذرکین و… عضو آن بودند. ماحصل کار این کمیسیون تصویب ۱۳ نشان برای مراکز استان‌ها بوده که متاسفانه در سال ۵۱ تعطیل شد و این کار ادامه دیداری در اسناد شهرداری اصفهان متوجه می‌شویم. که شهرداری اصفهان در دهه ۴۰ رویه ای بسیار تخصصی را برای تصمیم‌گیری اتخاذ کرده بود. شکل‌گیری آن گروه مشورتی در شهرداری منجر به ارائه پیشنهاداتی در طراحی نشان شهر اصفهان شده بود. مثلاً در همان جلسات مرحوم بهشتیان پیشنهاد می‌دهند از طرح قوس آذر که در کاشیکاری سر در قیصریه موجود است می‌توان استفاده کرد و یا از استاره اصفهان نصف‌جهان و ترکیب این دو ایده به آقای صنیع زاده واگذار می‌شود اما چیزی از پیش طرح‌های پیشنهادی و انجام تقریرات، به چگونگی بوده است و عرف حقالزحمه در دورهمی متفاوت برای چنین کاری چه مبلغی بود؟

آسی؟ بخش مهمی از این پرسش‌ها را می‌توان با همین اسناد و پرونده هایِ پابخ تا دکه در گنجینه اسناد موزه شهرداری اصفهان فراهم آمده است. در ابتدا (سال‌های ۳۵ تا ۳۸) شیوه انجام کار این‌گونه بوده است که ابتدا هر شهرداری موظف بود ویژگی‌های تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و معماری شهر را به اتحادیه شهرداری‌ها در قالب متنی ارسال کند. براساس این متن طراح (رومانوفسکی) یک طرح تهیه میکرد و در دو نسخه اصل و کپی به اتحادیه تحویل می‌داد. کبی طرح به شهرداری طی نامی رسمی ارسال می‌شد و شهرداری‌ها موظف بودند تا پیشنهادات خود یا انجمن شهر را به طراح منتقل کنند و یا طرح را بپذیرند. و وجه حقالزحمه را نیز بپردازند که مبلغ ۱۵۰۰ ریال بوده است. طبق اسناد شهرداری اصفهان چندخاصه در گروه‌ها و انجمن‌های مرتبط با نشان و پرچم طرح می‌شده که یکی از آنها بحث انطباق‌پذیری طرح در ابعاد متفاوت است و یا اینکه نشان معرف ویژگی گذشته و حال شهر اصفهان هست یا نه؟

گفت: رمزگذاری نشانه‌ها به شخصیت‌شناسی شهر کمک می‌کند. زیرا تعلق در تصویر قابل نمایش است و در نشان شهری با کمک این تعلق به شخصیت شهری بی‌می‌ریزم. او چراکه در آن زمان هم دانشکده هنرهای زیبا سا‌ها بوده که تأسیس شده بود هم سازمان سمعی و بصری و اداره طراحی گرافیک داشته ایم و هم طراحان برجسته‌ای که تحصیلات و تجربه در طراحی نشان داشته‌اند.حناقل تصویرسازی و گرافیک مجلات و آگهی‌های مطبوعاتی چاپ شده در مجلات به ما این را نشان می‌دهد که ادعای این پروفیسور آرم شناسی می‌تواند جلی و دروغین باشد.جالب اینجاست که اسنادنشان می‌دهد که رومانوفسکی در سال ۱۳۳۵ طرف دولت اتحاد جماهیر شوروی به وزارت خارجه ایران برای گسترش فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی و هنری معرفی می‌شود اما پس از مدتی مشخص می‌شود که جاسوس است و در قاچاق اسلحه فعالیت می‌کند رومانفسکی با توجه به شناسخی که از سلاح و پرچم و لباس نظامی داشته است پس از آزادی از زندان در موزه جنگی مشغول به فعالیت می‌شود. برای همین عجیب نیست که بخش مهمی از نشان‌هایی که برای شهرهای ایران طراحی کرده است، از عناصر جنگی و نظامی چون سپر، نیزه، قلعه و شمایل سربازان و نمادهایی از این دست بهره گیرد. البته با توجه به کاربرد گسترده بیرق در جنگ‌ها و اهمیت نمادهای متمایز پرچم برای کشورهای چندان هم بی‌ارتباط نیست. کامران تصریح کرد:اصفهانی‌ها آرم طراحی شده توسط رومانوفسکی را نپذیرفتند و هزینه آن را پرداخت نکردند. چراکه اصفهان با سابقه‌ای که در فرهنگ و هنر دارد و به دلیل برابری از فرهنگ دیداری غنی طرح پیشنهادی را نپذیرفت و شهردار وقت اصفهان تصمیم به تشکیل یک گروه مشورتی گرفت تا در این کمته تخصصی نشان شهرداری بررسی شود. شاید باید این ابتکار شهرداری اصفهان را که عدع‌ای از استان و هنرمندان اصفهانی چون صنیع زاده، بهداری، هنرفر، بهشتیان و میناسیان را برای تصمیم‌گیری در این خصوص جمع کرده، اقدامی جالب توجه باشد. چراکه بعدتر به دلیل اعتراضاتی که در سایر شهرها و شهرداری‌های به وزارت کشور اعلام می‌شد. در نهایت تصمیم گرفته می‌شود تا کمیسونی در اتحادیه شهرداری برای تصمیم‌گیری و مشورت در این خصوص شکل گیرد و افرادی چون هوشنگ سیحون، محسن مقدم، علی آذرکین و… عضو آن بودند. ماحصل کار این کمیسیون تصویب ۱۳ نشان برای مراکز استان‌ها بوده که متاسفانه در سال ۵۱ تعطیل شد و این کار ادامه دیداری در اسناد شهرداری اصفهان متوجه می‌شویم. که شهرداری اصفهان در دهه ۴۰ رویه ای بسیار تخصصی را برای تصمیم‌گیری اتخاذ کرده بود. شکل‌گیری آن گروه مشورتی در شهرداری منجر به ارائه پیشنهاداتی در طراحی نشان شهر اصفهان شده بود. مثلاً در همان جلسات مرحوم بهشتیان پیشنهاد می‌دهند از طرح قوس آذر که در کاشیکاری سر در قیصریه موجود است می‌توان استفاده کرد و یا از استاره اصفهان نصف‌جهان و ترکیب این دو ایده به آقای صنیع زاده واگذار می‌شود اما چیزی از پیش طرح‌های پیشنهادی و انجام تقریرات، به چگونگی بوده است و عرف حقالزحمه در دورهمی متفاوت برای چنین کاری چه مبلغی بود؟

آسی؟ بخش مهمی از این پرسش‌ها را می‌توان با همین اسناد و پرونده هایِ پابخ تا دکه در گنجینه اسناد موزه شهرداری اصفهان فراهم آمده است. در ابتدا (سال‌های ۳۵ تا ۳۸) شیوه انجام کار این‌گونه بوده است که ابتدا هر شهرداری موظف بود ویژگی‌های تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و معماری شهر را به اتحادیه شهرداری‌ها در قالب متنی ارسال کند. براساس این متن طراح (رومانوفسکی) یک طرح تهیه میکرد و در دو نسخه اصل و کپی به اتحادیه تحویل می‌داد. کبی طرح به شهرداری طی نامی رسمی ارسال می‌شد و شهرداری‌ها موظف بودند تا پیشنهادات خود یا انجمن شهر را به طراح منتقل کنند و یا طرح را بپذیرند. و وجه حقالزحمه را نیز بپردازند که مبلغ ۱۵۰۰ ریال بوده است. طبق اسناد شهرداری اصفهان چندخاصه در گروه‌ها و انجمن‌های مرتبط با نشان و پرچم طرح می‌شده که یکی از آنها بحث انطباق‌پذیری طرح در ابعاد متفاوت است و یا اینکه نشان معرف ویژگی گذشته و حال شهر اصفهان هست یا نه؟

کامران با اشاره به سوابق رومانوفسکی بیان کرد، ولادیمیر رومانوفسکی یکی از مرموز یا مهم‌ترین شخصیت‌های تاریخ معاصر ایران است، او زاده سرمقند بوده و ملیت افغانستانی داشته است. مدتی در سیستان و قانتان سر کنسول شده و مقالاتی در خصوص اسلحه و لباس نظامی از او در مجلات بررسی‌های تاریخی چاپ شده است. در اسناد شهرداری اصفهان از او با نوان

گفت: رمزگذاری نشانه‌ها به شخصیت‌شناسی شهر کمک می‌کند. زیرا تعلق در تصویر قابل نمایش است و در نشان شهری با کمک این تعلق به شخصیت شهری بی‌می‌ریزم. او چراکه در آن زمان هم دانشکده هنرهای زیبا سا‌ها بوده که تأسیس شده بود هم سازمان سمعی و بصری و اداره طراحی گرافیک داشته ایم و هم طراحان برجسته‌ای که تحصیلات و تجربه در طراحی نشان داشته‌اند.حناقل تصویرسازی و گرافیک مجلات و آگهی‌های مطبوعاتی چاپ شده در مجلات به ما این را نشان می‌دهد که ادعای این پروفیسور آرم شناسی می‌تواند جلی و دروغین باشد.جالب اینجاست که اسنادنشان می‌دهد که رومانوفسکی در سال ۱۳۳۵ طرف دولت اتحاد جماهیر شوروی به وزارت خارجه ایران برای گسترش فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی و هنری معرفی می‌شود اما پس از مدتی مشخص می‌شود که جاسوس است و در قاچاق اسلحه فعالیت می‌کند رومانفسکی با توجه به شناسخی که از سلاح و پرچم و لباس نظامی داشته است پس از آزادی از زندان در موزه جنگی مشغول به فعالیت می‌شود. برای همین عجیب نیست که بخش مهمی از نشان‌هایی که برای شهرهای ایران طراحی کرده است، از عناصر جنگی و نظامی چون سپر، نیزه، قلعه و شمایل سربازان و نمادهایی از این دست بهره گیرد. البته با توجه به کاربرد گسترده بیرق در جنگ‌ها و اهمیت نمادهای متمایز پرچم برای کشورهای چندان هم بی‌ارتباط نیست. کامران تصریح کرد:اصفهانی‌ها آرم طراحی شده توسط رومانوفسکی را نپذیرفتند و هزینه آن را پرداخت نکردند. چراکه اصفهان با سابقه‌ای که در فرهنگ و هنر دارد و به دلیل برابری از فرهنگ دیداری غنی طرح پیشنهادی را نپذیرفت و شهردار وقت اصفهان تصمیم به تشکیل یک گروه مشورتی گرفت تا در این کمته تخصصی نشان شهرداری بررسی شود. شاید باید این ابتکار شهرداری اصفهان را که عدع‌ای از استان و هنرمندان اصفهانی چون صنیع زاده، بهداری، هنرفر، بهشتیان و میناسیان را برای تصمیم‌گیری در این خصوص جمع کرده، اقدامی جالب توجه باشد. چراکه بعدتر به دلیل اعتراضاتی که در سایر شهرها و شهرداری‌های به وزارت کشور اعلام می‌شد. در نهایت تصمیم گرفته می‌شود تا کمیسونی در اتحادیه شهرداری برای تصمیم‌گیری و مشورت در این خصوص شکل گیرد و افرادی چون هوشنگ سیحون، محسن مقدم، علی آذرکین و… عضو آن بودند. ماحصل کار این کمیسیون تصویب ۱۳ نشان برای مراکز استان‌ها بوده که متاسفانه در سال ۵۱ تعطیل شد و این کار ادامه دیداری در اسناد شهرداری اصفهان متوجه می‌شویم. که شهرداری اصفهان در دهه ۴۰ رویه ای بسیار تخصصی را برای تصمیم‌گیری اتخاذ کرده بود. شکل‌گیری آن گروه مشورتی در شهرداری منجر به ارائه پیشنهاداتی در طراحی نشان شهر اصفهان شده بود. مثلاً در همان جلسات مرحوم بهشتیان پیشنهاد می‌دهند از طرح قوس آذر که در کاشیکاری سر در قیصریه موجود است می‌توان استفاده کرد و یا از استاره اصفهان نصف‌جهان و ترکیب این دو ایده به آقای صنیع زاده واگذار می‌شود اما چیزی از پیش طرح‌های پیشنهادی و انجام تقریرات، به چگونگی بوده است و عرف حقالزحمه در دورهمی متفاوت برای چنین کاری چه مبلغی بود؟

آسی؟ بخش مهمی از این پرسش‌ها را می‌توان با همین اسناد و پرونده هایِ پابخ تا دکه در گنجینه اسناد موزه شهرداری اصفهان فراهم آمده است. در ابتدا (سال‌های ۳۵ تا ۳۸) شیوه انجام کار این‌گونه بوده است که ابتدا هر شهرداری موظف بود ویژگی‌های تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و معماری شهر را به اتحادیه شهرداری‌ها در قالب متنی ارسال کند. براساس این متن طراح (رومانوفسکی) یک طرح تهیه میکرد و در دو نسخه اصل و کپی به اتحادیه تحویل می‌داد. کبی طرح به شهرداری طی نامی رسمی ارسال می‌شد و شهرداری‌ها موظف بودند تا پیشنهادات خود یا انجمن شهر را به طراح منتقل کنند و یا طرح را بپذیرند. و وجه حقالزحمه را نیز بپردازند که مبلغ ۱۵۰۰ ریال بوده است. طبق اسناد شهرداری اصفهان چندخاصه در گروه‌ها و انجمن‌های مرتبط با نشان و پرچم طرح می‌شده که یکی از آنها بحث انطباق‌پذیری طرح در ابعاد متفاوت است و یا اینکه نشان معرف ویژگی گذشته و حال شهر اصفهان هست یا نه؟

کامران با اشاره به سوابق رومانوفسکی بیان کرد، ولادیمیر رومانوفسکی یکی از مرموز یا مهم‌ترین شخصیت‌های تاریخ معاصر ایران است، او زاده سرمقند بوده و ملیت افغانستانی داشته است. مدتی در سیستان و قانتان سر کنسول شده و مقالاتی در خصوص اسلحه و لباس نظامی از او در مجلات بررسی‌های تاریخی چاپ شده است. در اسناد شهرداری اصفهان از او با نوان

گفت: رمزگذاری نشانه‌ها به شخصیت‌شناسی شهر کمک می‌کند. زیرا تعلق در تصویر قابل نمایش است و در نشان شهری با کمک این تعلق به شخصیت شهری بی‌می‌ریزم. او چراکه در آن زمان هم دانشکده هنرهای زیبا سا‌ها بوده که تأسیس شده بود هم سازمان سمعی و بصری و اداره طراحی گرافیک داشته ایم و هم طراحان برجسته‌ای که تحصیلات و تجربه در طراحی نشان داشته